

## بسمه تعالیٰ

# ارزیابی آراء مفسرین و فقهای فریقین در ارتباط با برخی از آیات نکاح

فاطمه اردستانی

### چکیده:

بحث و بررسی پیرامون آراء فقهاء و مفسرین فریقین در ارتباط با آیات نکاح، یکی از مهمترین زمینه‌های تحقیق در عرصه‌ی آیات الأحكام است. با شناخت مبانی اختلاف مفسران اسلامی در این باره و همچنین استخراج مشترکات فقهی و تفسیری فریقین راجع به مباحث مهم ازدواج، می‌توان به تسريع روند تقریب مذاهب اسلامی کمک نمود.

در این تحقیق، بحث فقط بر روی چهار اختلاف فقهی و تفسیری است که در آیات مربوط به ازدواج موقت، آیه‌ی مربوط به ازدواج با مشرکین و اهل کتاب، آیه‌ی مربوط به ازدواج زناکار با افراد صالح و آیه‌ی مربوط به بحث حرث بودن زن به آن اشاره شده است.

در تمامی آیات مذکور، اختلافات و اشتراکات مهمی وجود دارد که این تحقیق با توجه به مجال محدود آن، در این باره سامان یافته است.

کلمات کلیدی: آیات الاحکام، آیات نکاح، امامیه، اهل سنت، مفسران.

## مقدمه:

یکی از زمینه های بحث در تفاسیر قرآن، نگرش و رویکرد فقهی به آیات است. این رویکرد هم در میان مفسران شیعه و هم در میان مفسران اهل تسنن رواج داشته و بسیاری از آیات قرآن موسوم به آیات الأحكام با این روش تفسیر می شوند. مسلمان آراء حاصل از نگرش های فقهی به آیات، به گونه ای ریشه در مذهب فقهی مفسران دارد و از این جهت، آیات الأحكام عرصه مهمی برای تضارب آراء به شمار می رود. در این میان بررسی تطبیقی شاخص ترین آیات مربوط به ازدواج و طلاق مانند آیات ازدواج موقت، ازدواج با اهل کتاب و ... به عنوان آیات مرتبط با حوزه زنان و خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در این تحقیق بحث بر روی این مسأله مرکز شده که اشتراکات و اختلافات فقهی فریقین بر اساس آراء و تفاسیر فقهی آنان در مورد آیات نکاح چیست؟  
لازم به ذکر است که در این تحقیق، به کلیات نظر فقه و تفسیر امامیه و فقه و تفسیر اهل سنت پرداخته شده است.

## - بررسی آیات:

- آیه اول: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ وَلَآمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبْتُكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبْتُكُمْ...».<sup>۱</sup>

شأن نزول این آیه بیانگر این است که مرد مسلمان حق ازدواج با زن مشرک را ندارد و زن مسلمان را نیز نمی توان به نکاح مشرک درآورد، مگر آنکه مسلمان شده و ایمان بیاورند.

برخی قائلند که این آیه درباره‌ی «مرشد بن ابی مرشد غنوی» نازل شده که مرد شجاعی بود و پیامبر (ص) او را به مکه فرستاد تا برخی از مسلمانان که در مکه مانده بودند، با خود به مدینه بیاورد؛ پس از آنکه وی وارد مکه می شود، زنی به نام «عناق» که با او در زمان جاهلیت دوست بوده، وی را دعوت به اعمال

<sup>۱</sup> - بقره: ۲۲۱

غريزه جنسی می کند، اما او او امتناع ورزیده و لذا آن زن از او درخواست ازدواج می کند، اما او این کار را منوط به اجازه پیامبر(ص) نموده و سپس این آیه نازل می شود.<sup>۱</sup>

كلمه ی نکاح در لغت به معنای اعمال غريزه ی جنسی است و در شرع به معنای ازدواج نمودن است  
که در اين آيه در همين معنای شرعی استعمال شده است.<sup>۲</sup>

در اين که منظور از کفار و مشرکين چه کسانی هستند، دو نظر از حيث توسعه و ضيق وجود دارد:  
نظر اول بر آن است که کلمه ی شرك در آيه ی مذکور شامل همه ی کفار، اعم از بت پرستان، اهل  
كتاب و ... می شود و با اين تفسير، بسياري از فقهاء اماميه، ازدواج مرد مسلمان با زن کتابي را حرام می  
دانند. بنابر اين نظر، مدلول آيه ی «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ  
حِلٌّ لَّهُمْ وَالْمُحْسَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْسَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ...»<sup>۳</sup> مربوط به زنان کتابي  
مسلمان شده و يا ملك يمين دانسته شده و برخى از قائلين به اين ديدگاه، اين آيه را منسوخ دانسته اند؛<sup>۴</sup>  
روايات متعددی نيز در اثبات اين سخن آورده شده که از جمله ی آنها روایت ذيل است:

«محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن الحسن بن جهم قال: قال لي أبو الحسن  
الرضا(عليه السلام) يا أبا محمد ما تقول في رجل يتزوج نصرانية على مسلمة؟ قلت : جعلت فداك وما قولى  
بين يديك، قال: لتقولن فإن ذلك يعلم به قولى، قلت: لا يجوز تزويج النصرانية على مسلمة ولا غير مسلمة،  
قال: ولم؟ قلت : لقول الله عز وجل (ولا تنكحوا المشرفات حتى يؤم) قال: فما تقول في هذه الآية:  
(والمحصنات من الذين اتوا الكتاب من قبلكم)؟ قلت: فقوله: (ولا تنكحوا المشرفات) نسخت هذه الآية  
فتبس ثم سكت». <sup>۵</sup>

البته استدلال آنان به مستندات مذکور، مورد مناقشه قرار گرفته است؛ به عنوان مثال درباره آيه ی  
سوره ی مائدہ بيان شده که تحريم مذکور، تحريم ابتدائی نیست بلکه مربوط به مردی است که تازه مسلمان

<sup>۱</sup> - سیوطی، اسباب النزول، ص ۳۲ / طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۱۷

<sup>۲</sup> - لاهیجی، تفسیر جامع آیات الاحکام، ج ۹، ص ۱۲۲

<sup>۳</sup> - مائدہ: ۵

<sup>۴</sup> - کاظمی، مسالک الافهام إلى آیات الاحکام، ج ۳، ص ۲۳۶-۲۳۵ / آیات الاحکام فی جواهر الكلام، ج ۱، ص ۵۱۶

<sup>۵</sup> - کلینی، الكافی، ج ۵، ص ۲۵۷

شده و زنی از اهل کتاب را به عقد خود دارد ، که در صورتی می تواند او را نگه دارد که آن زن نیز مسلمان شود.

علاوه بر این، این دسته از فقهاء برای اثبات مدعای خود به برخی از آیات از جمله «وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ...»<sup>۱</sup> نیز استناد نموده اند. «شیخ طوسی» قائل است که با توجه به این آیه، زن کافر چه ذمی یا حربی و ... باشد، نمی تواند به عقد مسلمان درآید.<sup>۲</sup>

اما نظر دوم بر این پایه است که تنها بت پرستان مشرکند و اهل کتاب داخل مشرکین نیستند، همانگونه که آیه «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّيْنَ ...»<sup>۳</sup> این دو صنف را مقابل هم قرار داده است و عطف مقتضی مغایرت است، لذا با این توجیه آیه‌ی مذکور فقط دال بر حرمت ازدواج زن مسلمان با مشرک است و حرمت ازدواج با اهل کتاب از آن دریافت نمی شود. البته این استدلال مورد مناقشه قرار گرفته، با این بیان که عطف همیشه مقتضی مغایرت معطوف و معطوف عليه نیست، مگر آنکه فایده‌ای جز مغایرت از آن حاصل نشود.<sup>۴</sup>

«علامه طباطبائی» قائل این است که کلمه‌ی مشرکات اسم فاعل از مصدر اشراك یعنی شریک گرفتن برای خداوند است و شرک مراتب مختلفی از نظر ظهور و خفاء دارد، اما نمی توان کلمه‌ی مشرک را به همه‌ی دارندگان مراتب شرک اطلاق کرد، چنانکه اگر مسلمانی امر واجبی را ترک کند به آن کفر ورزیده اما کلمه‌ی کافر به او اطلاق نمی شود، مثل آنجا که خداوند می فرمایند: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْيَتِيرِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»<sup>۵</sup>، که مسلمانی که با وجود استطاعت از انجام فریضه‌ی حج سرباز زند، در حقیقت کافر نیست بلکه فاسقی است که به یکی از واجبات خداوند کفر ورزیده است. از طرف دیگر در قرآن به اهل کتاب، مشرک اطلاق نشده است بلکه همواره در مورد کفار غیر اهل کتاب استعمال گردیده است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - ممتحنة: ۱۰

<sup>۲</sup> - شیخ طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۲۲۴

<sup>۳</sup> - بینه: ۱

<sup>۴</sup> - فاضل مقداد، کنز العرفان، ص ۶۷۸

<sup>۵</sup> - آل عمران: ۹۷

<sup>۶</sup> - علامه طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۲۰۴

با توجه به این توضیحات، ازدواج زن مسلمان با مرد کافر و مشرک جایز نیست و از طرف دیگر، ازدواج مرد مسلمان با زن کافر نیز به اجماع مسلمین نیز حرام است.<sup>۱</sup> اما دربارهٔ ازدواج با زن کافر کتابی، همانطور که گفته شد، اختلاف نظر وجود دارد.

از دیدگاه جمهور اهل سنت و برخی از فقهای امامیه مانند صاحب جواهر و شهید ثانی، ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی جایز است و البته فقهای امامیه بعضاً قائل به کراحت شده‌اند.<sup>۲</sup> این دسته از فقها به اطلاق و عموم آیات «وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِاِمْوَالِكُمْ مُحْسِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ...»<sup>۳</sup> و «وَالْمُحْسَنَاتُ مِنْ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْسَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ...»<sup>۴</sup> و برخی از روایات مثبت این معنا، استدلال نموده‌اند.

لازم به ذکر است که برخی از فقهای امامیه، ازدواج با زن کتابی را به صورت عقد موقت جایز دانسته اند و لذا آن را به صورت عقد دائم حرام می‌دانند.<sup>۵</sup>

- آیه دوم: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ...».<sup>۶</sup>

چنانکه از ظاهر آیه‌ی فوق بر می‌آید، بهره مندی جنسی مرد از زن در این آیه تجویز شده است که در واقع به مردان اجازه می‌دهد که آنگونه که می‌خواهند با همسران خود آمیزش کنند. در این آیه خداوند زنان را با استفاده از کلمه‌ی «حرث» به کشتزاری تشبیه فرموده که محصول آن، فرزند است اما آنچه مورد اشکال است، تفسیر کلمه‌ی «آنی» است که از دیدگاه مفسران و فقهای امامیه و اهل سنت، هم به صورت درون مذهبی و هم برون مذهبی در معنای آن اختلاف وجود دارد.

به طور کلی سه نظریه در این باره وجود دارد:

<sup>۱</sup> - بحرانی، الحدائق الناظرة، ج ۲۴، ص ۳ / زحلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۷، ص ۱۵۲

<sup>۲</sup> - شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۷، ص ۳۵۸ / زحلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۷، ص ۱۵۳

<sup>۳</sup> - نساء: ۲

<sup>۴</sup> - مائدہ: ۵

<sup>۵</sup> - علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۲۸

<sup>۶</sup> - بقره: ۲۲۳

توجیه صحیح منع خلیفه دوم را علامه کاشف الغطاء این گونه بیان می‌کنند : «خلیفه از آن جهت به خود حق داد این موضوع را قدغن کند که تصور می‌کرد این مسئله داخل در حوزه اختیارات ولی امر مسلمین است و حاکم و ولی امر می‌تواند از اختیارات خود به حسب مقتضای عصر و زمان در این گونه امور استفاده کند ؛ به عبارت دیگر نهی خلیفه ، نهی سیاسی بود نه نهی شرعی و قانونی . طبق آنچه از تاریخ استفاده می‌شود ، خلیفه در دوران زمامت خود ، نگرانی خود را از پراکنده شدن صحابه در اقطار کشور تازه وسعت یافته اسلامی و اختلاط با ملل تازه مسلمان شده پنهان نمی‌کرد و تا زنده بود مانع پراکنده‌گی آنها از مدینه بود و به طریق اولی از امتراج خونی آنها با تازه مسلمانان قبل از آنکه عمیقاً تربیت اسلامی در آنها تأثیر کند ناراضی بود و آن را خطری برای نسل آینده به شمار می‌آورد. بدیهی است که این امر موقتی بوده است و به لحاظ مصلحت سیاسی و اجتماعی روز مورد استفاده قرار گرفت .»<sup>۱</sup>

البته برخی بیان نموده اند که علت تحریم خلیفه دوم ، جلوگیری از سوء استفاده افراد بوده است اما وی می‌باشد به جای الغای قانون ، جلوی سوء استفاده‌ها را می‌گرفته است .

در هر صورت ، شکی نیست که علت عدم اعتراض مسلمین به خلیفه دوم ، به دو دلیل بوده است:

۱- مسلمین ، فرمان خلیفه را به عنوان یک مصلحت سیاسی و موقتی تلقی کردند نه به عنوان یک قانون دائم و الا ممکن نبود خلیفه وقت بگوید پیامبر(ص) چنان می‌کرد و من چنین می‌کنم ؛ با این حال ، در طی سالها و قرون بعدی ، در اثر جریانات بخصوصی سیره خلفای پیشین و بالاخص<sup>۲</sup> دو خلیفه اول یک برنامه ثابت تلقی شد و در اثر تعصبات بعدی شکل یک قانون اصلی به خود گرفت.<sup>۳</sup>

۲- بنابر سخن حضرت علی(ع) در خطبه «شقشیقه» در وصف روحیات و اخلاق خلیفه دوم ، ایشان فردی خشن و سخت گیر بود<sup>۴</sup> و به همین دلیل ، اصحاب پیامبر(ص) با حکم خلیفه ، مخالفت نکردند و دستور وی را عمل<sup>۵</sup> رعایت می‌کردند ، تا از خشم او در امان بمانند.

<sup>۱</sup>- کاشف الغطاء ، اصل الشیعه و اصولها ، ص ۲۶۳

<sup>۲</sup>- مطهری ، نظام حقوق زن در اسلام ، ص ۶۷

<sup>۳</sup>- ترجمه نهج البلاغه ، خطبه ۳

## نتیجه:

در مجموع از تحقیق حاضر پیرامون چهار آیه مورد بحث، نتایج ذیل حاصل می شود:

- ۱- در ارتباط با آیه ۲۲۱ سوره ی بقره، جمهور اهل سنت و برخی از فقهای امامیه قائل به جواز ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی است که البته از نظر امامیه آن را به صورت موقت جایز می دانند.
- ۲- در ارتباط با آیه ۲۲۳ سوره ی بقره، از دیدگاه بسیاری از امامیه، «آنی» ظرف مکان دانسته شده و لذا آیه، نزدیکی با زن از طریق پشت را تجویز می کند اما از دیدگاه برخی از اهل سنت، «آنی» مربوط به زمان و مکان نزدیکی نیست بلکه گویای کیفیت آن است.
- ۳- در ارتباط با آیه ۵ سوره ی نور، بسیاری از امامیه و اهل سنت قائل به جواز ازدواج زانی و زانیه با افراد صالح می باشند که البته امامیه آن را مکروه می داند.
- ۴- در ارتباط با آیه ۲۴ سوره نساء، امامیه قائل به مشروعيت نکاح موقت و دوام این مشروعيت است اما از دیدگاه اهل سنت اختلاف مبنایی در آن وجود دارد و به دلائل مختلف، آن را مشروع نمی دانند.

## فهرست منابع

\* قرآن كريم

\* نهج البلاغه

- منابع عربي

- ١- آلوسى، شهاب الدين محمود، تفسير روح المعانى، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٥ق
- ٢- ابن حجر، تهذيب التهذيب ، دار الفكر، ١٤٠٤ق ، چاپ اول
- ٣- ابن حزم ، المحلى ، دار الفكر، بيجا، بى تا
- ٤- ابن رشد ، بدايه المجتهد ، به تصحیح خالد عطار ، دار الفكر ، ١٤١٥
- ٥- ابن كثیر دمشقی اسماعیل بن عمرو، به تحقيق محمد حسين شمس الدين، تفسیر القرآن العظیم ، دار الكتب العلمیه ، بيروت ، ١٤١٩ق ، چاپ اول
- ٦- الإمام احمد حنبل ، مسنـد احمد ، دار صادر ، بيروت، بى تا
- ٧- الإمام مالک ، الموطأ ، به تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي ، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٦ق
- ٨- بحراني، يوسف، حدائق الناظرة، موسسه النشر الاسلامی، قم ، بى تا
- ٩- بخاری ، صحيح البخاری ، دار الفكر ، بيروت ، ١٤٠١ ق
- ١٠- بیهقی ، السنن الکبری ، دار الفكر، بى جا، بى تا
- ١١- ترمذی ، سـنن ترمذی ، عبد الوهـاب عبد الطـیف ، دار الفكر ، بيروت ، ١٤٠٣ ق
- ١٢- جصاص احمد بن عـلـي ، أـحكـام القرآن ، به تحقيق محمد صـادـق قـمـحاـوى ، دار احياء التراث العربي ، بيروت ، ١٤٠٥ ق
- ١٣- جمعـی اـز مـتـفـکـرـین ، المـتعـه و مـشـرـوـعـیـتـهـاـ فـیـ الإـسـلـامـ ، دـارـ الزـهـرـاـ ، بيـرـوـتـ ، ١٤١٥ق ، چـاـپـ پـنـجـمـ
- ١٤- نجـفـیـ مـحـمـدـ حـسـنـ ، جـواـهـرـ الـكـلـامـ فـیـ شـرـحـ شـرـایـعـ الإـسـلـامـ ، بهـ تـصـحـیـحـ عـبـاسـ قـوـچـانـیـ ، دـارـ اـحـیـاءـ التـرـاثـ العـرـبـیـ ، بيـرـوـتـ
- ١٥- حرـ العـامـلـیـ، وـسـائـلـ الشـیـعـهـ ، مـوـسـسـهـ آلـ الـبـیـتـ لـأـحـیـاءـ التـرـاثـ ، قـمـ ، ١٤١٤ق ، چـاـپـ دـوـمـ
- ١٦- حلـیـ، حـسـنـ بـنـ يـوـسـفـ ، قـوـاعـدـ الـاحـکـامـ ، مـوـسـسـةـ النـشـرـ اـلـاسـلـامـیـ ، قـمـ ، ١٤١٣ق
- ١٧- دـارـمـیـ عـبـدـاـ...ـ بـنـ بـهـرـاـمـ ، سـنـنـ الدـارـمـیـ ، مـطـبـعـهـ الإـعـتـدـالـ ، دـمـشـقـ ، ١٣٤٩
- ١٨- ذـهـبـیـ ، مـیـزـانـ الإـعـتـدـالـ ، بهـ تـحـقـیـقـ عـلـیـ مـحـمـدـ بـجـاوـیـ ، دـارـ الـمـعـرـفـهـ ، ١٣٨٢

- ١٩- رازى فخرالدين ، تفسير مفاتيح الغيب (كبير)، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، ١٤٢٠ ق ، چاپ سوم
- ٢٠- زحيلي، وهبة، الفقه الاسلامي و ادلته ، دار الفكر، دمشق، بي تا
- ٢١- زمخشري محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل ، دارالكتاب العربي ، بيروت ، ١٤٠٧ ق ، چاپ سوم
- ٢٢- سايس، محمد على، احكام القرآن، مكتبة الصرية، بي جا، بي تا
- ٢٣- سجستانى ابن الأشعث، سنن ابى داود، به تحقيق سعيد محمد اللحام، دار الفكر، ١٤١٠ ق
- ٢٤- سيوطى جلال الدين ، الدر المنثور فى تفسير المأثور ، كتابخانه آيت ا... نجفى مرعشى ، قم ، ١٤٠٤ ق
- ٢٥- سيوطى جلال الدين ، لباب النقول فى اسباب النزول، دار الكتب العلمية، بيروت، بي تا
- ٢٦- طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، موسسه اعلمى للمطبوعات، لبنان، بي تا
- ٢٧- طبرى محمد بن جرير ، جامع البيان فى تفسير القرآن ، دارالمعرفه ، بيروت ١٤١٢ ق ، چاپ اول
- ٢٨- طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، مكتبة الاعلام الاسلامى، ١٤٠٩ ق
- ٢٩- طوسى، محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، دار الكتب الاسلامى، تهران، بي تا
- ٣٠- طوسى، محمد بن حسن، الخلاف، موسسة النشر الاسلامى، قم، ١٤٠٧ ق
- ٣١- عاملى، زين الدين، مسالك الافهام، موسسه المعارف الاسلامية، ١٤١٣ ق
- ٣٢- فاضل مقداد جمال الدين ، كنز العرفان فى فقه القرآن ، مجمع جهانى تقرير مذاهب ، ١٤١٩ ق ، چاپ اول / ترجمه كنز العرفان، عقيقى بخشايishi، نشر نويد اسلام، ١٣٨٨ ش
- ٣٣- قرطبي محمد بن احمد ، الجامع لأحكام القرآن ، ناصر خسرو ، تهران ، ١٣٦٤ ش ، چاپ اول
- ٣٤- قزويني محمد بن يزيد ، سنن ابن ماجه ، به تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي ، دار الفكر ، بيروت
- ٣٥- كاشف الغطاء ، اصل الشيعه و اصولها ، به تحقيق علاء آل جعفر ، مؤسسه امام على (ع) ، ١٤١٥ ق
- ٣٦- كاظمى، جواد، مسالك الافهام الى آيات الاحكام، نشر مكتبة المرتضوية، ١٤٢٩ ق
- ٣٧- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، دار الكتب الاسلامية، تهران، ١٣٦٣ ش
- ٣٨- ماردينى ، الجوهر النقى ، دار الفكر، بي جا، بي تا
- ٣٩- محبى، صاحب على، آيات الاحكام فى جواهر الكلام، موسسه احسن الحديث، ١٤٢٩ ق
- ٤٠- مرواريد على اصغر ، سلسله اليتابع الفقهيه ، موسسه فقه الشبعه ، الدار الإسلامية ، چاپ اول
- ٤١- مكارم، ناصر، تفسير نمونه، بي نا، بي جا، بي تا
- ٤٢- مقدسى، ابن قدامه، المغنى، دار الكتب العربي، بيروت، بي تا

- ٤٣- نسائی ، سنن النسائی ، دار الفکر ، بیروت ، ١٣٤٨
- ٤٤- نیشابوری الحاکم ، ابوعبدالله، المستدرک ، به تحقیق یوسف عبد الرحمن المرعشلی، دارالمعرفة، بیروت،  
بی تا
- ٤٥- نیشابوری مسلم ، صحیح المسلم ، دار الفکر ، بیروت، بی تا  
- منابع فارسی
- ٤٦- امینی عبدالحسین ، الغدیر ، ترجمه جمال موسوی ، نشر ایرانمهر ، ۱۳۵۳ ش
- ٤٧- سیحانی جعفر ، ازدواج موقت در کتاب و سنت ، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت(ع) ، سال ۱۲ ،  
شماره ۴۸
- ٤٨- طباطبایی محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن ، ترجمه محمد خامنه ، دار العلم ، قم ، ۱۳۴۴
- ٤٩- لاهیجی، زین العابدین، تفسیر جامع آیات الاحکام، نشر سایه، قم، ۱۳۸۴ ش
- ٥٠- عسگری مرتضی ، ترجمه معالم المدرسین(دو مکتب در اسلام) ، ترجمه عطا محمد سردار نیا ، بعثت ،  
ش ۱۳۷۵